

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

• **مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**

• **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

• **مدیرعامل:** علی متقیان

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۱۲۰۴ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

• **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۳ • **روابط عمومی:** صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دوازده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۲



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع): همه‌مروت در این است که در نهان، کاری نکنی که در عیان از آن شرم‌ت آید.



غرالحکم و درالکلم

ایران برای همه ایرانیان

یاور به اینکه ایران متعلق به اقوام، قومیت‌ها و همه گرایش‌هاست باید در سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و تبلیغی وجود داشته باشد. برخی سیاست‌گذاران فرهنگی که سال‌ها با یک گرایش خاص حرکت کرده‌اند، باید نسبت به آینده ایران و ایران‌پس از این جنگ، با نگاه فراگیرتری فکر کنند. گرایش‌هایی که شاید در دانشگاه‌ها، عرصه فرهنگ یا حوزه‌های مختلف مورد پسند برخی نبوده‌اند، باید دوباره دیده شوند. همان‌طور که در هیأت‌ها و تکیا نمی‌توان آدم‌ها را حذف کرد، در فرهنگ، هنر، سیاست، انتخابات و علم هم باید امکان دیده شدن همه فراهم شود. ایران زمانی می‌تواند قوی‌بماند که همه ایرانیان در آن دیده شوند و احساس تعلق داشته باشند.

از صحبت‌های علی ربیعی دستیار اجتماعی رئیس جمهوری با صبا



نقل قول



تام هاردی: از پرده نقره‌ای تا استودیوی رپ

تام هاردی، بازیگر سریال «پیکسی بلاندیزز» و «ونوم»، حالا در چرخشی هنری به سراغ موسیقی رپ رفته است. او با نام مستعار «فیس پولر»، آلبوم مشترکی با گروه «Czarface» منتشر می‌کند. این گذار موسیقایی در حالی رخ می‌دهد که آینده او در سریال «سرزمین اوباش» به دلیل اختلافات خلاقانه با تهیه‌کنندگان در حال‌های از ابهام است. هاردی که به شخصیت‌های پیچیده سینمایی شهره است، باید ثابت کند در دنیای رپ نیز همان اعتبارپرده نقره‌ای را دارد یا این تنها یک کنجکوی گذراست. **ایستا**



«احمدرضا درویش»: وحسرت نمایش «رستاخیز»

امیرحسین شریفی تهیه‌کننده فیلم «شب دهم» معتقد است توقیف و حواشی «رستاخیز» در یک دهه گذشته، انگیزه‌ها را برای ساخت آثار مذهبی تا حدی تضعیف کرد. درحالی‌که سکانس‌های منتشر شده از «رستاخیز» در فضای مجازی، همچنان حسرت‌آبران نشدنی را زنده می‌کند، درویش پس از ۱۲ سال سکوت، قرار است با فیلم «درخشش» به سینما بازگردد. **ایران**

هوشنگ جاوید پژوهشگر موسیقی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد تکرر نغمه‌های عاشورایی در ایران



موسیقی مذهبی فقط عاشورایی نیست و حدود ۷۲ شاخه دارد که بسیاری از آنها هنوز به درستی شناخته نشده‌اند

موسیقی سوگ مذهبی شده‌اند. برای مثال در میان اقوام زاگرس نشین، از کرد و لرتا بختیاری، موسیقی سوگ میان هویت قومی و باور مذهبی مشترک است. این پژوهشگر با اشاره به یکی از نمونه‌های این پیوند اظهار کرد: «در زاگرس نغمه‌ای به نام «ساز چپ» وجود دارد که همان سورنا و دهل است و در مناسبت‌های مذهبی نیز اجرا می‌شود. در میان بختیاری‌ها و بویره منطقه کهگیلویه و بویراحمد، نغمه‌هایی مانند «حربی» شکل گرفته که مخصوص سوگواره‌های مذهبی و ایام عاشورا است.»

موسیقی عاشورایی در ایران تنها به نوحه‌خوانی‌های شناخته‌شده محدود نمی‌شود؛ در اقصی نقاط کشور، اقوام مختلف ایرانی با سازها، نغمه‌ها و شیوه‌های اجرایی خاص خود، روایت‌هایی از واقعه عاشورا را در قالب آیین موسیقی عاشورایی حفظ کرده‌اند. هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی نواحی ایران در این باره معتقد است: «بخش مهمی از این میراث هنوز به درستی شناخته نشده و بی‌توجهی به ثبت و پژوهش آن، بسیاری از نمونه‌های ارزشمند را در معرض فراموشی قرار داده است.»

جاوید درباره گستردگی نغمه‌های عاشورایی در میان اقوام ایرانی بیان کرد: «در مناطق مختلف کشورمان نغمه‌هایی با ریشه عاشورایی بسیار وجود دارد، اما متأسفانه این موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته و اگر پژوهش‌هایی هم انجام شده، بسیاری از آنها در دسترس عموم قرار نگرفته است.»

او با اشاره به پیوند موسیقی سوگ قومی یا آیین‌های مذهبی، گفت: «در بسیاری از مناطق، موسیقی سوگ مذهبی و ایام عاشورا آگاه شوند.»

جاوید در ادامه به سازهای خاص آیینی اشاره می‌کند و می‌گوید: «سال‌ها پیش در منطقه ایزدآباد یا شاه‌پور، ساز پیدر کردیم به نام «طبل زلزله». این ساز بسیار بزرگ بود و زمانی که همراه محمدرضا درویشی برای دیدن سازنده آن رفتم، پیرمرد درباره دلیل نامگذاری آن توضیح داد.»

آغاز ماه محرم استفاده می‌شده است: «این ساز چندین دهانه داشت که با پوست گاو پوشیده می‌شد و هنگام نواختن، صدایی شبیه زلزله ایجاد می‌کرد. هدف هم این بود که مردم از فرارسیدن محرم و واقعه عاشورا آگاه شوند.»

چگونه بنیاد رفاقت ویران شود و شیرازه روابط آدمیان پریشان گردد؟ همه می‌دانیم تمام اتفاقاتی که حول رفتارهای انسانی می‌چرخد قبلاً اتفاق افتاده و به هر حال در تمام اعصار تکراری خواهد بود. هم از این روست که می‌توان تقریباً تمام رخداد‌های جهان را در چند پیرنگ کلا و وضعیت‌های دراماتیک بنیادین خلاصه کرد؛ همان‌هایی که در سه کتاب «سی‌وشش وضعیت دراماتیک اثر ژرژ پولتی»، «سی‌وشش وضعیت دراماتیک سینمایی» اثر «مایک فیکیس»، و «بیبست کهن‌الگوی پیرنگ و طرز ساخت آنها» اثر «رونالد بی. تویپاس» صورت‌بندی شده‌اند. بنابراین نباید انتظار داشت یک اثر روایی - تصویری حتماً در پیرنگ یا وضعیت‌ها کاملاً ابداعی باشد (آنچه در «بی‌عاطفه» هم نیست) ارزش اصلی بیشتر در چگونگی تلفیق، چینش، و کیفیت روایی همین الگوهای شناخته‌شده است.

این را در آغاز تحریر آوردم که عرض کنم اصلاً در این نوشتار کاری به تکراری بودن قصه ندارم، که تمام قصه‌های جهان با این پیش‌فرض که تقریباً شمد تکراری است! غرضی که دارم این است که روایت «بی‌عاطفه» پراز گسست‌های غیر منطقی است.

سریال «بی‌عاطفه» به کارگردانی کمال تبریزی در ظاهر روایت رفاقتی دریا و دشمنی‌ای دیررس است؛ قصه دو مرد، بهرام و کامران، که روزگاری هم‌پیمان و هم‌داستان بودند و امروز به خصم

گفت‌وگو

نداسجانی گروه فرهنگی

موسیقی عاشورایی در ایران تنها به نوحه‌خوانی‌های شناخته‌شده محدود نمی‌شود؛ در اقصی نقاط کشور، اقوام مختلف ایرانی با سازها، نغمه‌ها و شیوه‌های اجرایی خاص خود، روایت‌هایی از واقعه عاشورا را در قالب آیین موسیقی عاشورایی حفظ کرده‌اند. هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی نواحی ایران در این باره معتقد است: «بخش مهمی از این میراث هنوز به درستی شناخته نشده و بی‌توجهی به ثبت و پژوهش آن، بسیاری از نمونه‌های ارزشمند را در معرض فراموشی قرار داده است.»

جاوید درباره گستردگی نغمه‌های عاشورایی در میان اقوام ایرانی بیان کرد: «در مناطق مختلف کشورمان نغمه‌هایی با ریشه عاشورایی بسیار وجود دارد، اما متأسفانه این موضوع کمتر مورد بررسی قرار گرفته و اگر پژوهش‌هایی هم انجام شده، بسیاری از آنها در دسترس عموم قرار نگرفته است.»

او با اشاره به پیوند موسیقی سوگ قومی یا آیین‌های مذهبی، گفت: «در بسیاری از مناطق، موسیقی سوگ مذهبی و ایام عاشورا آگاه شوند.»

نگاهی به سریال بی‌عاطفه

شکست یک درام انتقام

حسن گوهرپور روزنامه‌نگار

چگونه بنیاد رفاقت ویران شود و شیرازه روابط آدمیان پریشان گردد؟ همه می‌دانیم تمام اتفاقاتی که حول رفتارهای انسانی می‌چرخد قبلاً اتفاق افتاده و به هر حال در تمام اعصار تکراری خواهد بود. هم از این روست که می‌توان تقریباً تمام رخداد‌های جهان را در چند پیرنگ کلا و وضعیت‌های دراماتیک بنیادین خلاصه کرد؛ همان‌هایی که در سه کتاب «سی‌وشش وضعیت دراماتیک اثر ژرژ پولتی»، «سی‌وشش وضعیت دراماتیک سینمایی» اثر «مایک فیکیس»، و «بیبست کهن‌الگوی پیرنگ و طرز ساخت آنها» اثر «رونالد بی. تویپاس» صورت‌بندی شده‌اند. بنابراین نباید انتظار داشت یک اثر روایی - تصویری حتماً در پیرنگ یا وضعیت‌ها کاملاً ابداعی باشد (آنچه در «بی‌عاطفه» هم نیست) ارزش اصلی بیشتر در چگونگی تلفیق، چینش، و کیفیت روایی همین الگوهای شناخته‌شده است.

این را در آغاز تحریر آوردم که عرض کنم اصلاً در این نوشتار کاری به تکراری بودن قصه ندارم، که تمام قصه‌های جهان با این پیش‌فرض که تقریباً شمد تکراری است! غرضی که دارم این است که روایت «بی‌عاطفه» پراز گسست‌های غیر منطقی است.

سریال «بی‌عاطفه» به کارگردانی کمال تبریزی در ظاهر روایت رفاقتی دریا و دشمنی‌ای دیررس است؛ قصه دو مرد، بهرام و کامران، که روزگاری هم‌پیمان و هم‌داستان بودند و امروز به خصم

نقد

حسن گوهرپور روزنامه‌نگار

«پوشیده نماند که در بستوی ضمیر هر انسان، هزارتویی است پنهان، و در قعر آن، سندوقچه‌های است پراز اسرار و کتمان. پاره‌ای از این خفایا، زاییده خلوت آدمی است و دور از چشم هر همدمی، و پاره‌ای دیگر، احوالی است مستور، که از دیده اینها روزگار و اغیار نگاه داشته‌اند دور. بهای این رازهای نهفته، به گردش ادوار است و اقتضای لیل و نهار؛ چه ساسری که در مکانی و زمانی به غایت خطرناک است، و در جایگاهی دیگر به بی‌شیزی حقیر. لبیک قاعده‌های است مسلم و حقیقتی است محترم، که هر چه آدمی در حفظ اسرار حریص تر گردد، بار گرانی که بر دوش می‌کشد تقیل‌تر و دل‌زار او پرخون‌تر گردد. قصه، نمایش و سلسله‌مصور «بی‌عاطفه»، بر همین نسق استوار است و از همین درد، پرده‌دار.

شالوده این حکایت و اساس این روایت، به کشف اسرار است و زوال اعتبار قصه به بر ریختن بساط وداد است و گسستن رشته اتحاد. داستان بر این مدار می‌گردد که چون راز مکتوم از پرده بیرون افتد و تشت رسوایی از نام سرنگون،

سواد خواندن نداشتند اما متن‌های طولانی را از حفظ می‌خواندند. متأسفانه بسیاری از این شیوه‌ها بدون ثبت و ضبط از بین رفت.»

عاشیق‌ها، یزد و بوشهر روایت‌های متنوع از عاشورا جاوید با اشاره به موسیقی آیینی آذربایجان گفت: «در میان عاشیق‌ها نیز هنرمندانی بودند که در ماه محرم روایت‌های مذهبی اجرا می‌کردند. حتی نوعی دیشمه وجود داشت که مربوط به همین ایام بود و بعدها میان مداحان نیز مورد استفاده قرار گرفت.»

او درباره جایگاه یزد در موسیقی مذهبی هم اظهار کرد: «یزد یکی از مراکز مهم تولید ملودی‌های مذهبی بوده است. در هر محله این شهر، شیوه نوحه‌خوانی و حتی شکل سینه‌زنی متفاوت است و همین تفاوت‌ها نشان‌دهنده غنای این فرهنگ است.»

این پژوهشگر ادامه داد: «در جنوب کشور بویره و بوشهر و خوزستان نیز نمونه‌های ارزشمندی وجود دارد. در خوزستان شیوه‌های کهن سینه‌زنی دیده می‌شود که ریشه تاریخی دارد و نوحه‌هایی مانند «واحد» جایگاه ویژه‌ای دارند.»

او همچنین به نوحه‌های بحر طویل اشاره و بیان کرد: «این نوع نوحه‌ها در بخش بزرگی از ایران از جمله کرمان، اصفهان، فارس، خراسان و بخش‌هایی از تهران رواج داشته‌اند و از نظر ساختار شعری و اجرایی قدمت زیادی دارند.»

وقف ساز برای آیین‌های مذهبی جاوید با اشاره به سنت وقف سازهای آیینی اظهار کرد: «در برخی مناطق ایران سازهای ماندگرسنزا، وجود دارد که در مراسم عزاداری وقف شده‌اند. در یزد، اردکان و مبد نمونه‌هایی از سازهایی مانند «شوشک» وجود دارد که در مراسم مذهبی استفاده می‌شوند.»

او افزود: «اینکه هنرمندان سازهای خود را وقف آیین‌های مذهبی می‌کردند، یکی از زیبایی‌های فرهنگ ایرانی است.»



موسیقی مذهبی فقط عاشورایی نیست و حدود ۷۲ شاخه دارد که بسیاری از آنها هنوز به درستی شناخته نشده‌اند

نقش تعزیه در موسیقی اقوام این پژوهشگر موسیقی نواحی درباره تأثیر تعزیه بر موسیقی اقوام ایران بیان کرد: «شبه‌خوانی تأثیر زیادی داشته و برای آن موسیقی‌های خاصی نوشته شده است. در مناطق فارس، شیراز، لامرد و زرگان، موسیقی تعزیه جایگاه ویژه‌ای دارد.»

او ادامه داد: «در مازندران نیز نی‌نوازان قطعه‌ای با عنوان «عباس خوانی» اجرا می‌کنند که روایت به میدان رفتن حضرت عباس (ع) را با ساز نی بیان می‌کند.»

نگرانی از تغییر مسیر نوحه‌خوانی جاوید درباره وضعیت امروز این میراث گفت: «کمرنگ شدن برخی از این نغمه‌ها دلایل مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها نبود برنامه‌ریزی جدی فرهنگی برای حفظ موسیقی مذهبی است.»

او با انتقاد از ورود برخی سبک‌های نامتناسب به نوحه‌خوانی ادامه داد: «در دوره‌ای شاهد ورود شیوه‌هایی مانند پاپ، رپ و راک به نوحه‌ها بودیم. حتی در برخی مناطق از سازها و ساختارهایی استفاده شد که ارتباطی با آیین‌های سنتی نداشت.»

این پژوهشگر تأکید کرد: «البته هنوز هم هنرمندانی هستند که با عشق و ارادت، شیوه‌های اصیل نوحه‌خوانی را حفظ کرده‌اند.»

ضرورت شناخت علمی موسیقی جاوید با اشاره به پژوهش‌های انجام شده در این حوزه گفت: «افرادی مانند جهانگیر نصر اشرفی و کیوان پهلوان در این زمینه کار کرده‌اند و من نیز پژوهش‌هایی انجام داده‌ام، اما مسأله اصلی نبود حمایت و برنامه‌ریزی جدی است.»

او در پایان خاطرنشان کرد: «موسیقی مذهبی فقط نغمه‌های عاشورایی نیست و حدود ۷۲ شاخه دارد که بسیاری از آنها هنوز به درستی شناخته نشده‌اند. متأسفانه در نظام آموزشی نیز جایگاه مشخصی برای این حوزه ایجاد نشده و هنرهای آیینی ایران همچنان با بی‌توجهی روبه‌رو هستند.»



بی‌منطق و انگیزه‌ها گاه بی‌ریشه‌اند. دشمنی بزرگ این دودوست قدیمی، به جای آنکه تراژدی یک اعتماد شکسته باشد، بیشتر به سازوکاری تبدیل شده در خدمت داستان می‌ماند. در میانه این روایت، تم انتقام چون ستونی یگانه بر سراسر داستان سایه می‌اندازد: انتقام کامران از بهرام و انتقام مهتاب از علی و... اما وقتی همه بار درام بر دوش انتقام نهاده شود و درون‌مایه‌ای نیرومند پشت آن نباشد، نتیجه چیزی جز بی‌رغبتی و بی‌حاصلی نیست؛ نه پرسشی اخلاقی در ذهن می‌نشیند و نه تأملی انسانی در دل می‌رود.

افزون بر این، رشته روایت گاه چنان گسپخته می‌شود که خرده‌داستان‌هایی آنکه به یکدیگر پیوندی روشن داشته باشند، می‌آیند و می‌روند. شخصیت‌ها معرفی می‌شوند، اما سرنویشت نمی‌یابند؛ وارد می‌شوند، اما اثر نمی‌گذارند. اما در نهایت به روایتی از فرصت‌های سوخته و ظرفیت‌های ناتمام بدل شده است.

«بی‌عاطفه» گویی سرمایه تجربه و اعتبار سازندگان خود را به پای روایتی کم‌جان و ساختاری ناپخته خرج کرده است



«حمیدرضا اردلان»: سکان دار دوباره جشنواره موسیقی جوان

حمیدرضا اردلان، پژوهشگر و موسیقی‌شناس شناخته‌شده، بار دیگر به‌عنوان دبیرنوزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان منصوب شد. اردلان که کارنامه‌ای پربار در تدریس دانشگاهی و دبیری سه دوره از این رویداد دارد، این بار نیز با تکیه بر تجربیات پیشین و دانش عمیق خود در حوزه موسیقی نواحی، سکان هدایت این جشنواره را در دست می‌گیرد. انتصاب او، تأکیدی بر تداوم نگاه پژوهش‌محور در این رویداد ملی است؛ فرصتی که دوباره ظرفیت‌های موسیقی جوانان کشور را با معیارهای هنری ارتقا دهد. **ایران**



تحلیل فرهنگی روز

رضاصانعی دبیر گروه فرهنگی

آموزشگاه‌های سینمایی قرار است ستاره بسازد یا انسان؟

مدرسه‌ای برای دیدن، نه دیده شدن



گفت‌وگوی اخیر مدیرکل دفتر مطالعات و دانش سینمایی سازمان سینمایی با «ایرنا»، فارغ از جنبه‌های اداری و آماری، یک نکته مهم را به میان می‌آورد. اینکه آموزش سینما را نباید صرفاً از دریچه صنعت سینما دید. این نگاه، اگرچه دیرنگام است، اما می‌تواند آغاز تغییری در نسبت ما با مفهوم آموزش هنر باشد. سال‌هاست که آموزش سینما در ایران یا به رویای بازیگر شدن تقلیل یافته یا به مهارت‌آموزی تکنیکی برای ورود به بازار کار. در حالی که سینما، پیش از آنکه یک حرفه باشد، یک شیوه دیدن جهان است. جامعه‌ای که هر روز بیش از گذشته در محاصره تصویر قرار می‌گیرد، پیش از هر زمان دیگری به سواد تصویری نیاز دارد. کودکی که امروز ساعت‌ها در معرض شبکه‌های اجتماعی، بلفلمن‌های نمایش خانگی، بازی‌های ویدیویی و انبوهی از روایت‌های تصویری قرار دارد، اگر زبان تصویر را نیاموزد، مصرف‌کننده منفعل این جهان خواهد بود، نه مخاطب آگاه آن. آموزش سینما دقیقاً از همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند؛ جایی که مخاطب، به جای تسلیم شدن در برابر تصویر، یاد می‌گیرد آن را تحلیل کند، پشت روایت را ببیند و میان واقعیت و بازنمایی تمایز قائل شود.

شاید مهم‌ترین بخش این گفت‌وگو، تأکید بر نقش بازیگری و درام در تقویت همدلی باشد. جامعه امروز ما، بیش از کمبود تکنولوژی یا حتی سرمایه، از فقر گفت‌وگو رنج می‌برد. همه حرف می‌زنند اما کمتر کسی دیگری را می‌شنود. بازیگری، برخلاف تصور رایج، فقط تمرین ایستادن مقابل دوربین نیست؛ تمرین زندگی کردن در پوست دیگری است. این همان قابلیت است که فیلسوفان اخلاق از آن به عنوان شرط فهم دیگری یاد می‌کنند، اینکه بتوانی جهان را از زاویه دید کسی ببینی که شبیه تو نیست. از این منظر، آموزش سینما نوعی آموزش شهروندی هم هست. فیلم ساختن یعنی یاد گرفتن کار گروهی، پذیرش مسئولیت، احترام به تفاوت‌ها و فهم این حقیقت که هیچ اثری محصول یک فرد نیست. حتی تماشای آگاهانه فیلم نیز نوعی تمرین تفکر انتقادی است، مهارتی که نظام آموزشی ما سال‌هاست از آن فاصله گرفته است. البته این نگاه زمانی اعتبار پیدا می‌کند که خود آموزش نیز از آسیب‌های رایج مصون بماند. بازار داغ آموزشگاه‌هایی که پیش از آموزش، رویا می‌فروشند، واقعیتی انکارناپذیر است. میل به شهرت، بویره در عصر شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از نوجوانان را به کلاس‌هایی می‌کشاند که بیش از آنکه هنر بیاموزند، توهم موفقیت تولید می‌کنند. بنابراین نظارت بر آموزشگاه‌ها، اگر صرفاً به بوروکراسی اداری محدود نشود و به کیفیت آموزشی، صلاحیت مدرسان و اخلاقی حرفه‌ای بینجامد، ضرورتی انکارناپذیر است.

در عین حال، نباید همه مسئولیت آموزش سینما را بر دوش آموزشگاه‌های آزاد گذاشت. غیبت سینما در نظام آموزش عمومی، خلأیی است که سال‌هاست احساس می‌شود. عجیب است که نسلی با هزاران تصویر در روز زندگی می‌کند، اما در مدرسه چیزی درباره خواندن تصویر، روایت سینمایی یا تاریخ سینمای ایران نمی‌آموزد. اگر موسیقی و نمایش توانسته‌اند جای خود را در کتاب‌های درسی باز کنند، سینما نیز به عنوان مهم‌ترین هنر قرن بیستم و یکی از اثرگذارترین رسانه‌های امروز، شایسته حضور در آموزش رسمی است.

شاید مهم‌ترین دستاورد آموزش سینما، نه تربیت کارگردان آینده، بلکه تربیت تماشاگران بهتر باشد. سینمای خوب، بدون مخاطب خوب دوام نمی‌آورد. مخاطب آگاه است که به آثار جدی مجال دیده شدن می‌دهد و چرخه تولید فرهنگی را ارتقا می‌بخشد. سرمایه‌گذاری روی آموزش سینما، در نهایت به سرمایه‌گذاری روی کیفیت فرهنگ عمومی است. فرهنگی که اگر نگاهش عمیق‌تر شود، شاید اخلاقی نیز انسانی‌تر شود. در نهایت، ارزش آموزش سینما را نباید با تعداد بازیگران یا فیلمسازانی که از دل آن بیرون می‌آیند سنجید، بلکه باید دید چند نفر پس از آن، جهان را دقیق‌تر دیده‌اند. انسان‌ها را بهتر فهمیده‌اند و روایت‌های زندگی را مسئولانه‌تر خوانده‌اند. آموزش سینما بتواند چنین تغییری ایجاد کند، رسالت خود را انجام داده است؛ حتی اگر هیچ ستاره‌ای از دل کلاس‌هایش متولد نشود.